

مقاله پژوهشی

بررسی مشروعیت و قانونی بودن تحریم‌های یک‌جانبه

ایالات متحده از منظر حقوق بشر جهان‌شمول

نگین شفیعی بافتی^۱، علی ایلخانی پور^۲، یوسف مسلمی مهنی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹

چکیده: شورای امنیت سازمان ملل در ترتیبات حقوقی پس از منشور تنها مرجع قانونی توسل به تحریم یا اقدامات قهری تلقی شده و هرچند عملکرد این شورا در بسیار موارد سیاسی و ناعادلانه بوده است به استناد فصل هفتم منشور، تحریم‌هایی که به موجب ماده ۴۱ از سوی شورا با هدف حفظ صلح و امنیت بین‌المللی وضع می‌شوند، به لحاظ ماهیت، جمعی و قهری قلمداد شده و برای تمامی دولت‌های عضو الزام‌آور هستند. نقطه مقابل تحریم‌های جمعی سازمان ملل متحد، تحریم‌های یک‌جانبه است که به موجب آن، یک دولت با هدف وادار کردن دولت دیگر به تغییر سیاست‌های خود مبادرت به وضع آن‌ها می‌نماید. این مقاله که با روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته است در پاسخ به این سوال اصلی که جایگاه قانونی و مشروعیت تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده چیست، این فرضیه را مورد توجه قرار می‌دهد که تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده علیه کشورها ناقض حقوق بشر جهان‌شمول از جمله حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اصول و مقاصد تصریح شده در منشور، اصل برابری حاکمیت‌ها، اصل عدم مداخله، امنیت غذایی، بهداشتی و آموزشی، حق بر توسعه، حق بر زندگی و سایر حقوق بنیادین بشر کشور مورد تحریم است.

واژگان کلیدی: تحریم اقتصادی یک‌جانبه، حقوق بشر جهان‌شمول، مشروعیت، حق بر توسعه، حقوق

بین‌الملل بشردوستانه

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: ilkhanipour@uk.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

مقدمه

جهان‌شمولی «یونیورسالیسم» در لغت و برگرفته از فرهنگ معتبر دانشگاهی «وبستر» به چیزی اطلاق می‌شود که در مقیاس خود دارای بعد جهانی است (www.merriam-webster.com). وضعیتی مبنی بر جهانی بودن^۵ است (https://dictionary.cambridge.org). جهان‌شمول‌گرایان بر این باورند که صرف نظر از فرهنگ محلی یا سنت‌های تاریخی، بایدهای اخلاقی به هر کسی تطبیق می‌کند، آنها طیفی از حقوق بشر را در نظر می‌گیرند که در سطح جهانی به کار بسته می‌شود. در حوزه حقوق بشر، جهان‌شمول‌گرایان بر وجود حقوق بشر و معیارهای جهانی و برون فرهنگی برای انسان بما هو انسان صرف نظر از جنس، رنگ و نژاد و مذهب وی تاکید می‌کنند و حق بر حیات، حق بر بهداشت، آموزش، امنیت غذایی و حق بر توسعه را از حقوق اساسی انسان مطرح می‌کنند.

نظریه‌های جهان‌شمول و محلی‌گرا بر روی دو طیف قرار دارند. در یک سوی طیف شکل رادیکال جهان‌شمولی قرار دارد که محلی‌گرایی را حذف می‌کند و در سوی دیگر طیف محلی‌گرایی رادیکال وجود دارد که هیچ‌گونه جهان‌شمولی را تحمل نمی‌کند، همچنین مدل‌های معتدل‌تری از هر نظریه در طول طیف وجود دارد (دانلی، ۱۹۸۹: ۱۰-۱۹). جهان‌شمول‌گراها معتقدند حقوقی که توسط جامعه بین‌المللی تنظیم شده بنیادین و از این رو تخطی ناپذیر است. حقوق بین‌الملل عرفی، موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و اعلامیه جهانی حقوق بشر معیارها را تعریف می‌کنند (النجم، ۱۹۹۰).

نظریه جهان‌شمول‌گرایی حقوق بشر به طور عمده بر پایه فلسفه غربی و ارزشی است که برای خود انسانی قائل است. چیزی که محصول فلسفه یونانی، مسیحیت و متفکران عصر روشنگری^۶ است. رویکرد جهان‌شمول به حقوق بشر بر آن است که هر کسی با استفاده از قوانین طبیعت، خدا و یا عقل می‌تواند حقوق اساسی و ذاتی برای بشر را شناسایی کند، حقوقی که از پیش در جامعه وجود دارد.

جک دانلی بخوبی رهنامه معاصر رویکرد جهان‌شمول‌گرای حقوق بشر را مطرح می‌کند. دانلی حقوق بشر را از سه بعد جهانی می‌داند، تمامی موجودات بشری بخاطر انسان بودن خود در سطح جهانی از حقوق بشر برخوردار هستند، از این رو حقوق انسان نمی‌تواند مشروط به خصوصیات مانند نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی ریشه‌های ملی یا اجتماعی، دارایی، ولادت و

4. Universalism
5. Universality
6. Enlightenment

... شود (اعلامیه جهانی حقوق بشر: ماده ۲). دوم، حقوق بشر در سطح جهانی میان تمامی مردم و نهادها به عنوان عالی‌ترین حقوق اخلاقی وجود دارد. حقوق فردی را نمی‌توان به فرد دیگر مانند شوهر یا به یک نهاد مانند دولت واگذار کرد. سوم، حقوق بشر به عنوان معیارهایی ایده‌آل به طور جهان‌شمول‌تری از جانب جامعه بین‌المللی در حال پذیرش است (دانلی، ۱۹۸۹: ۱-۲).

توافقات بین‌المللی و کنفرانس‌هایی که توسط سازمان ملل متحد برگزار می‌شود شناسایی گسترده‌تر حقوق بشر را در طول زمان نشان می‌دهد. به طوری که منظور دانلی از تفسیر جهان‌شمول از حقوق بشر این است که هیچ نهاد یا فردی در هیچ کجا نمی‌تواند حقوق بشر کسی را از وی سلب کند. به بیان دیگر دریافتی اخلاقی را تنها در صورتی می‌توان جهان‌شمول دانست که:

۱. تمام مردم را مخاطب نظام مشابهی از اصول اخلاقی بنیادین قرار دهد.
۲. اصول، مزایا و منافع اخلاقی بنیادین مشابهی برای همه ایجاد کند (یعنی دستاوردها، آزادی‌ها، قدرت و مصونیت) و مسئولیت‌های مشابه برای همه به وجود آورد.
۳. این اصول بنیادین اخلاقی و وظایف در عباراتی کلی فرمول‌بندی شود به گونه‌ای که گروه‌ها و اشخاص معینی را منتفع نکرده یا محروم نکند.

به هر حال مدافعان جهان‌شمولی معتقدند، جهان‌شمولی در حقوق بشر بین‌المللی جای گرفته و بر این فرض استوار است که موقعیت بشر منحصر به فرد است و تمام موجودات بشری از حقوق مسلمی برخوردار هستند. جامعه بین‌المللی این حق را محفوظ می‌داند که در باره دولت‌ها بر اساس معیارهای بین‌المللی قضاوت کند. از این رو نگاه غربی تلاش می‌کند کشورها را به معیارهای حقوق بشری مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر متعهد نگه دارد.

علاوه بر معنی «جهان‌شمولی» بررسی بنیادهای نظریه برای فهم بهتر منطبق معیارهای بین‌المللی مفید است. جهان‌شمول-گراها مبانی متفاوتی برای رهنانه خود ارائه می‌کنند. از سویی ایشان به حقوق طبیعی توجه دارند که طبیعت، خدا و عقل را به منظور شناسایی «حقوق بنیادین مشخص» به کار می‌برند، حقوقی که هر کجا یافت شود، شامل تمام انسان‌ها می‌شود. از این رو حقوق ذاتی هستند و نیازی نیست که به طور جداگانه توسط جامعه بین‌المللی یا نظام‌های حقوقی ملی اعطاء شوند.

از سوی دیگر اثبات‌گرایی بیان می‌کند که دولت‌ها برای دولت شدن موافقت می‌کنند که توسط مجموعه‌ای از قواعد که حقوق بین‌الملل مقرر می‌دارد، محدود شوند. فرض اثبات‌گرایی این است که دولت حاکم را نمی‌توان بر خلاف اراده‌اش محدود کرد. یک استثناء در برابر ناتوانی در محدود کردن دولت‌های حاکم حقوق بین‌الملل عرفی است. در حالی که این دو مبنای متفاوت هستند، هر دو مقرر

می‌دارند که حقوق معین قابل تغییر توسط هیچ دولت، نهاد یا فردی نیست.

به باور جک دانلی حقوق بشر جهان‌شمول یک واقعیت جهانی بالقوه است. وی با بررسی مسائلی چون «نسبیت فرهنگی»، «ارزش‌های آسیایی» و مسائل جدی مطرح در عرصه مباحث سیاسی معاصر مانند مداخلات بشر دوستانه نگاهی مبنی بر این که حقوق بشر جهان‌شمول قابل دستیابی نیست را رد می‌کند. دانلی اعلامیه جهانی حقوق بشر را به عنوان پارادایم مطلوب اثبات می‌کند و در نتیجه‌گیری وی از مجموعه مباحث این ایده نهفته است که با استفاده از ارزش‌های مکتب لیبرالیسم امکان مفهوم‌پردازی هنجاری از حقوق بشر به گونه‌ای که از دو مقوله زمان و مکان فاصله بگیرد و در قالبی جهان‌شمول و عام قابل اعمال باشد، وجود دارد.

به باور دانلی «دولت نهاد محوری در دسترس برای اجرای مؤثر حقوق بشر بین‌المللی است» (دانلی، ۲۰۰۳: ۳۶-۳۵). وی «پیوند مشترک حقوق بشر با لیبرالیسم غربی را می‌پذیرد» (دانلی، ۲۰۰۳: ۴۷-۴۶). هم‌چنین مدعی می‌شود که بنیادهای فلسفی که ریشه در لیبرالیسم دارد مهم‌ترین مسیر است که الگوی اعلامیه جهانی حقوق بشر را می‌توان از طریق آن اعمال کرد.

دانلی از این باور شالوده‌زدایی می‌کند که «تمام جوامع به لحاظ بین‌فرهنگی و تاریخی مفاهیم حقوق بشر را منعکس می‌کنند». وی در دیدگاهی مغایر با چندفرهنگ‌گرایی بر آن است که فرهنگ‌های عمده از نوعی نظام وظیفه برخوردارند که شناسایی اجتماعی کرامت انسانی را هدایت می‌کنند، این نظام‌ها به هر حال جایگزین حقوق بشر هستند تا این که هم معنی آن باشند. به علاوه هرچند فرهنگ دارای نقش اساسی در ایجاد و اجرای حقوق بشر جهانی دارد به بیان دانلی «فرهنگ مقصد نیست» (دانلی، ۲۰۰۳: ۸۸). از این رو مذاکرات از طریق گفته‌گوی معنی‌دار بین فرهنگ‌ها می‌تواند به تحقق الگوی اعلامیه جهانی حقوق بشر منجر شود.

وی از سویی ایده محوری اعلامیه جهانی را که می‌گوید «تمام انسان‌ها آزاد و برابر در کرامت انسانی و حقوق متولد می‌شوند» توسعه می‌دهد (دانلی، ۲۰۰۳: ۲۲۵). در حالی که از سوی دیگر به این می‌پردازد که چطور حقوق بشر طرحی واقع‌گرایانه است و ابعاد این مفهوم می‌تواند تقریباً در تمامی ابعاد وجود اجتماعی و سیاسی بشر قرار بگیرد. جهان‌شمول‌گرایان به شدت به عقل بشری برای حل اختلافات در مورد حقوق بشر تأکید می‌کنند. به باور ایشان «عدم تفاهم بر سر حقوق بشر خطاهایی در ذهن و اشتباهات منطقی هستند که از طریق تفکر دوباره قابل حل هستند» (هیگینز، ۱۹۹۷: ۹۵).

جهان‌شمول‌گرایان بر آن هستند که برخی هنجارها جهانی هستند چرا که به شکلی قوی به

واسطه تعامل بین مجموعه انسان‌ها که از آرایش بیولوژیک یکسانی برخوردار هستند، حاصل شده‌اند. برای مثال دروغ گفتن و تقلب صرف نظر از خصوصیات جوامع مختلف جرایمی جهانی هستند. به هر حال در چارچوب گفتمان جهان‌شمولی، تحریم‌ها نافی حقوق بنیادین بشر چون حق بر زندگی، حق بر توسعه، حق بر امنیت غذایی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه و... در چارچوب آزادی‌هایی که ریشه در حقوق طبیعی و اسناد بین‌المللی حقوق بشر دارد، هستند. تحریم‌های یک‌جانبه در تناقض با اصول و حقوق کلی مندرج در منشور ملل متحد، میثاقین، پروتکل‌های اختیاری به آن و اسناد بین‌المللی حقوق بشر تلقی می‌شود.

در این چارچوب تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده علیه کشورها می‌تواند به عنوان ناقض حقوق بشر جهان‌شمول تلقی شود و حقوق بنیادین مانند حق بر حیات، حق بر آموزش، حق بر توسعه و سایر حقوق طبیعی را به مخاطره بیندازد.

تحریم‌ها موجد اقدامات قهری هستند که مکمل اقدامات سازمان ملل یا دولت‌ها در حوزه‌های دیپلماسی هستند. به بیان ساده، تحریم یعنی سامانه‌ای از محدودیت‌ها که با هدف پر کردن خلاء میان دیپلماسی و جنگ، از طریق تصمیم جمعی بقیه دولت‌ها وضع و تحمیل می‌شود. هدف جامعه بین‌المللی از توسل به تحریم‌ها به عنوان ابزارهای صلح‌آمیز، تأثیرگذاری بر رفتار و عملکرد دولت‌ها با هدف تغییر سیاستگذاری آن‌هاست. به این ترتیب، گستره وسیعی از واکنش‌ها به صورت یک‌جانبه یا جمعی علیه دولت یا دولت‌های هدف به منظور تضمین رعایت حق یا اجرای تعهد وضع می‌شود (دکوکس، ۲۰۰۸: ۲۴۹).

به استناد فصل هفتم منشور ملل متحد، تحریم‌هایی که به موجب ماده ۴۱ از سوی شورای امنیت با هدف حفظ صلح و امنیت بین‌المللی وضع می‌شوند، به لحاظ ماهیت، جمعی و قهری قلمداد شده و برای تمامی دولت‌های عضو الزام‌آور هستند. نقطه مقابل، تحریم‌های یک‌جانبه است که به موجب آن، یک دولت با هدف وادار کردن دولت دیگر به تغییر سیاست‌های خود مبادرت به وضع آن‌ها می‌کند. تحریم‌های یک‌جانبه مبتنی بر تصمیم جمعی نبوده و به عنوان سازوکار تعقیب منفعت فردی دولت‌هاست. از این رو، مانع جدی بر سر راه تلاش‌های جامعه بین‌المللی برای ایجاد نظام تجاری، منصفانه، چندجانبه غیرتبعیض‌آمیز و قاعده‌مند محسوب می‌شود. نمونه بارز تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه، تحریم‌های متعدد وضع شده بر مبنای «قانون تجارت با دشمن»^۷ مصوب ۱۹۷۱ (اصلاحی

7. Trading with the Enemy Act 1977, Modify 2006.

۲۰۰۶) ایالات متحده آمریکا با توجه به اختیارات اعطاء شده به رئیس جمهور این کشور است. بررسی دو مؤلفه کارآمدی و اخلاقی بودن تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه ایالات متحده به واسطه نقض حقوق بشر جهان‌شمول و واکاوی مشروعیت این سازوکار حقوقی پاسخ‌گویی به دو پرسش محوری را ضروری می‌کند:

۱. آیا تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه ایالات متحده مشروعیت دارند؟

۲. رابطه این تحریم‌ها با نقض فاحش حقوق بشر جهان‌شمول چیست؟

در این مقاله بررسی امکان نقض حق‌های بشری توسط تحریم‌های یک‌جانبه، میزان کارآمدی این سازوکار، واکاوی مؤلفه‌های مشروعیت تحریم‌های یک‌جانبه بررسی و به ارزیابی سه پارادایم مناسب برای قاعده‌مندی‌سازی این سازوکار از جمله حقوق بشر، اقدام متقابل و حقوق بشردوستانه پرداخته می‌شود. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و از ابزار گردآوری داده‌های پژوهش کتابخانه‌ای است.

۱. ادبیات تحقیق

جک دانلی (۱۹۸۹) در اثر «حقوق بشر جهان‌شمول در نظریه و عمل» این ایده را مطرح می‌کند که انسان به دلیل انسان بودن و صرف نظر از رنگ، جنس، نژاد و مذهب و ... دارای حقوق بنیادین است. مفهوم‌پردازی و اعمال حقوق بشر جهان‌شمول به باور وی مشکل است و می‌تواند نقاب از چهره تمامیت‌خواهان و دیکتاتورها بردارد. وی این ایده را رد می‌کند که غرب با مطرح کردن حقوق بشر جهان‌شمول قصد یکسان‌سازی و ایجاد هژمونی و تحمیل هنجارهای خود را بر سایر جوامع دارد.

حجت‌الله قاعدی و همکاران در مقاله «ارزیابی سیاسی حقوقی تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه آمریکا علیه جمهوری اسلامی» این اعتقاد را مطرح می‌کند که ایالات متحده از جایگاه خود در شورای امنیت برای اعمال فشار به ایران استفاده کرده و به اعمال تحریم‌های یک‌جانبه اولیه و ثانویه مبادرت کرده است. به بیان نویسندگان تحریم‌های ثانویه به علت ماهیت فراسرزمینی خود محل مناقشه هستند و بر اساس قواعد و اصول حقوق بین‌الملل و تعارض با اصول بنیادین حقوق بشر و اصل عدم مداخله غیر قانونی می‌باشند.

سید محمد حسن رضوی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «تعهدات حقوق بشری دولت واضع تحریم در برابر مردم کشور تحریم شده: از صدور معافیت تحریمی تا رفع موثر موانع» این ایده را

مطرح می‌کنند که وضع تحریم‌ها با هدف تاثیرگذاری بر سیاست خارجی کشورها آثار زیان‌باری بر حقوق بنیادین شهروندان عادی سرزمین‌های هدف از جمله حق سلامتی و حق دسترسی بر غذا دارد و موجب انتقاد و سوالات جدی در مورد تعیین دامنه مسئولیت کشور تحریم کننده به دلیل آثار زیان‌بار اقدامات تحریمی می‌شود و کشورهای تحریم کننده نسبت به حقوق بنیادین مردم کشور هدف تحریم، مطابق با موازین حقوق بشری و قواعد حقوق بین‌الملل مسئولیت و تکلیف دارد.

محمد مهدی کریمی نیا و حامد شیری در مقاله «نقش دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری در تضمین حقوق بشر با تاکید بر پرونده بازگشت تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران» به امکان دریافت دستور موقت از دیوان بین‌المللی دادگستری در موارد ورود خسارت به مردم ایران از ناحیه تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا می‌پردازد، نویسندگان برآنند در موارد نقض حقوق بشر نیاز به استناد به عهدنامه مودت نمی‌باشد. صدور دستور موقت در راستای تضمین و ارتقاء حقوق بشر است که دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس درخواست یکی از طرفین و بر اساس ادله ابرازی می‌تواند در برخی از موارد اقدام به صدور آن نماید.

فرهاد کریمی و همکاران در مقاله «نقش دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری در تضمین حقوق بشر: مطالعه موردی پرونده بازگشت تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران» این ایده را مطرح می‌کنند که صدور دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری نقش مهمی در راستای تضمین و ارتقای حقوق بشر ایفا می‌کند. به باور نویسندگان دستور موقت دیوان می‌تواند از نقض حقوق بشر در ایران ناشی از نقض حقوق بشر موثر باشد. حرکت به سوی ایجاد رویه حقوقی مستقل و اقدامات موقتی برای حمایت از حقوق بشر به مرور باعث تقویت بعد پیشگیرانه حقوق بین‌الملل خواهد شد.

عبدالله قنبرلو (۱۴۰۱) در مقاله «تحلیل نسبت تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه با حقوق بین‌الملل معاصر» بر این باور است که در حقوق بین‌الملل معاصر گرایش دولت‌ها به استفاده یک‌جانبه از تحریم‌های اقتصادی افزایش یافته و حقوق بین‌الملل با تمرکز بر منع جنگ، بر استفاده یک‌جانبه دولت‌ها از تحریم اقتصادی موانع و محدودیت‌های محکمی ایجاد نکرده است. حقوق بین‌الملل موضع صریح و قاطعی درباره مجاز و غیر مجاز بودن یا کم و کیف استفاده از تحریم‌های اقتصادی در روابط بین‌الملل ندارد. نگارنده به اختلاف نظر حقوقدانان بر سر قانونی بودن و مشروعیت تحریم‌ها پرداخته و به دیدگاه برخی حقوقدانان اشاره می‌کند که دست دولت‌ها را در تحریم اقتصادی

دیگران جز در شرایط خاص و استثنایی بسته می‌دانند. ایشان استفاده تهاجمی و دلخواهانه از تحریم را در تعارض آشکار با روح حاکم بر حقوق بین‌الملل می‌داند.

حجت الله قاعدی و همکاران در مقاله «ارزیابی سیاسی حقوقی تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه آمریکا علیه جمهوری اسلامی» این اعتقاد را مطرح می‌کند که ایالات متحده از جایگاه خود در شورای امنیت برای اعمال فشار به ایران استفاده کرده و به اعمال تحریم‌های یک‌جانبه اولیه و ثانویه مبادرت کرده است. به بیان نویسندگان تحریم‌های ثانویه به علت ماهیت فراسرزمینی خود محل مناقشه هستند و بر اساس قواعد و اصول حقوق بین‌الملل و تعارض با اصول بنیادین حقوق بشر و اصل عدم مداخله غیر قانونی می‌باشند.

سید محمد حسن رضوی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «تعهدات حقوق بشری دولت واضع تحریم در برابر مردم کشور تحریم شده: از صدور معافیت تحریمی تا رفع موثر موانع» این ایده را مطرح می‌کنند که وضع تحریم‌ها با هدف تاثیرگذاری بر سیاست خارجی کشورها آثار زیان‌باری بر حقوق بنیادین شهروندان عادی سرزمین‌های هدف از جمله حق سلامتی و حق دسترسی بر غذا دارد و موجب انتقاد و سوالات جدی در مورد تعیین دامنه مسئولیت کشور تحریم کننده به دلیل آثار زیان‌بار اقدامات تحریمی می‌شود و کشورهای تحریم کننده نسبت به حقوق بنیادین مردم کشور هدف تحریم، مطابق با موازین حقوق بشری و قواعد حقوق بین‌الملل مسئولیت و تکلیف دارند.

۲. چرخه حیات تحریم و مسئله مشروعیت

مسئله مشروعیت^۸ باید به موازات مسئله قانونیت (جواز)^۹ در گفتمان تحریم‌ها مورد بررسی قرار گیرد. مؤلفه‌های مدنظر برای سنجش مشروعیت تحریم، مطابقت آن‌ها با موازین حقوق بشر و کارآمدی (تحقق اهداف مدنظر در زمان وضع) تحریم‌هاست. از منظر اندیشمندان حقوق بشر، تحریم به مثابه یک سازوکار قهری باید هم‌سو با موازین حقوق بشر عمل کند و مقام وضع‌کننده باید در خصوص موارد نقض حقوق بشر، پاسخ‌گو باشد (<http://www.cesr.org>). از سوی دیگر، معیار کارآمدی تحریم، لزوم انطباق «هدف مدنظر تحریم»^{۱۰} با «پیامدهای واقعی»^{۱۱} آن است.

8. Legitimacy

9. Legality

11. Intended Target

12. Treatment Effect

۳. مؤلفه اخلاقی بودن و مطابقت با موازین حقوق بشر

از منظر پوزیتیویسم حقوقی، توسل به تحریم‌های یک‌جانبه به واسطه نقض حق‌های بشری جمعیت غیرنظامی دولت هدف، در تعارض با حقوق بشر است (رویز و آلبرتو، ۲۰۱۲: ۲۳۱). اجرای تحریم‌های اقتصادی به طور کلی بر انتفاع از حق‌های بشری اثرگذار است و به طور خاص، حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمعیت دولت هدف را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس، تحریم به عنوان سامانه‌ای از محدودیت‌ها، در درون خود با تزامم منافع یا به بیان ساده‌تر، پارادوکسی ذاتی رو به‌رو است؛ به این صورت که گاهی با داعیه تلاش برای خاتمه دادن به موارد نقض حقوق بشر در کشور هدف و نیل به دموکراسی اعمال می‌شود اما در چرخه حیات خود، ناقض همان حق‌های بشری خواهد بود. به بیان بهتر، تحریم گاه ناقض همان حقی است که با هدف یا بهانه تضمین رعایت آن وضع شده است. حق‌های مقرر در نسل‌های اول، دوم و سوم حقوق بشر در چرخه حیات تحریم‌ها، هدف قرار می‌گیرند. تحریم‌ها نقض فاحش حقوقی است که در اسناد بین‌المللی به عنوان حقوق بشر جهان‌شمول ارزیابی شده‌اند، حقوقی مانند حق بهره‌مندی از غذای کافی، مسکن، امکانات کافی معیشتی، حق بر سلامت، حق آموزش و اشتغال.

۴. حق حیات

قرار گرفتن جمعیت تحت فشار اقتصادی و به تبع آن، به خطر افتادن امنیت غذایی می‌تواند منتهی به مرگ اشخاص و در نتیجه، نقض حق حیات شود که مهم‌ترین حق در دسته‌بندی حق‌های منفی نسل اول قلمداد می‌شود (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۹: ۸۹). حقی که غیرقابل سلب حتی در وضعیت‌های اضطراری است و به استناد تفسیر موسع منتخب کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، شامل تأمین حداقل کالاها و خدمات ضروری، امکانات اولیه بهداشتی و مراقبت‌های پزشکی می‌شود (موسوی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۲). باید این نکته را مدنظر قرار داد که حق حیات به معنای زندگی نباتی نیست و متضمن زندگی انسانی و شایسته است. ممنوعیت مجازات‌های غیرانسانی و تحقیرکننده، پیامد منطقی چنین اندیشه‌ای است (همان: ۱۵۵). تحریم اقتصادی یک‌جانبه مانع از تحقق تعهدات دولت‌ها در خصوص حق حیات و حق‌های تابع آن می‌شود. بنابراین، دولت تحریم‌کننده این حق را نقض می‌کند.

۵. حق بر توسعه

یکی از حقوقی که به شدت تحت تأثیر پیامدهای منفی تحریم یک‌جانبه قرار می‌گیرد، حق بر توسعه است. برخی دولت‌ها درباره حق بر توسعه این‌گونه موضع‌گیری می‌کنند که حق مذکور به واسطه مبهم بودن واژه توسعه و نامشخص بودن چارچوب حق مذکور نمی‌تواند به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب شود (مارکز، ۲۰۰۴: ۱۴۹). از سوی دیگر، هسته اصلی حق بر توسعه در منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر پایه‌گذاری شده است و این باور رقیب وجود دارد که حق بر توسعه به طور مستقیم و خاص با مردم به مثابه سازندگان جامعه مدنی یک کشور ربط پیدا می‌کند و به حق در زمره مهم‌ترین حق‌های همبستگی مقرر در نسل سوم حقوق بشر قرار گرفته است.

به بیان مایکل نواک^{۱۳} «در سال ۱۸۸۱، کسی درباره حق بر توسعه سخنی نمی‌گفت؛ اما ملت ما برای توسعه فرصت داشت. شاید حتی برای توسعه مسئولیت داشت. مردم ما می‌دانستند که به برکت توانمندی‌ها، مواهب و نیز ایده‌ها و اندیشه جدیدشان درباره اقتصاد سیاسی، مسئولیت توسعه بر دوش آن‌ها قرار داده شده است» (اوگبونا، ۲۰۱۶: ۱۳۹). محمد بجاوی نیز در تأیید اهمیت حق بر توسعه و لزوم توجه بیشتر دولت‌ها و جامعه جهانی به این مهم بیان داشته است که: «اگر حق بر توسعه به عنوان قاعده آمره قلمداد نشود، باید این‌گونه نتیجه گرفت که ... نسل‌زدایی به موجب حقوق بین‌الملل مجاز شمرده شده است» (بجاوی، ۱۹۹۱: ۱۱۹۳-۱۱۷۶).

کشورهای واضع تحریم مانند ایالات متحده از یک سو، آزادی اقتصادی را برای جامعه خود، پیش‌فرض توسعه می‌دانند و از سوی دیگر، با شعار نیل به دموکراسی و حقوق بشر، تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه را وضع می‌کنند که مسبب کندی یا توقف روند توسعه دولت‌های هدف تحریم است. هدف قرار گرفتن حوزه‌هایی چون خرید کالا و تجهیزات فنی تحت حمایت پتنت ایالات متحده، عدم امکان واردات فناوری‌های متعدد در عرصه‌های کشاورزی، صنایع زیستی، ارتباطات، آموزش و فرهنگ و پایگاه‌های علمی، ضعف کتابخانه‌ها، کارمندان و کارگران آموزش ندیده شاهد مثال عینی این مدعاست (منچاک،

13. Michel Novak

14. Watson Institute

۲۰۱۰:۴۳۶). چنین وضعیتی باعث فقر تبادل اطلاعات میان مردم شده و الگوی رشد جامعه را تخریب می‌کند. بر این مبنا، این فرضیه مطرح می‌شود که تحریم‌های اقتصادی مانعی جدی بر سر راه حق بر توسعه کشورهای هدف تحریم محسوب می‌شوند.

شاید این تصور در ایالات متحده وجود داشته باشد که تحریم‌ها در گذر زمان در تغییر رفتار طبق میل ایالات متحده کارآمد باشند، اما تحریم‌های یک‌جانبه اغلب پیامدهای نامشخص و بدون بازگشتی دارند که آسیب‌های عظیم انسانی بر جای می‌گذارند. بنا به پژوهش انجام شده از سوی «موسسه تحقیقاتی واتسون»^{۱۳} درباره هزینه‌های انسانی تحریم‌های اقتصادی، هزینه‌ها و آسیب‌های وارده به غیرنظامیان به دلیل وضع تحریم‌های اقتصادی اغلب اهداف سیاسی بالقوه آن‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. علاوه بر این، کارکرد نهادهای بشردوستانه را مختل و آن‌ها را سردرگم می‌سازد (لوپز و کورت رایت، ۱۹۹۵: ۶۸). به استناد کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، «تحریم‌های اقتصادی... شکلی از مجازات است که در تعارض و مغایرت کامل با اصول بنیادین عدالت و حقوق بشر قرار دارد (<http://www.i-p-o.org/sanct.htm>).

تحریم‌ها با ایراد خسارات اقتصادی بلندمدت بر توانایی تولید جامعه هدف تحریم و مجازات غیرمنصفانه همسایگان کشور هدف تحریم، به عنوان شرکای عمده تجاری، ضد اهداف خود عمل می‌کنند. هدف تحریم آن است که مانع نقض حقوق بشر شود نه اینکه خود ناقض آن باشد. نتیجه آن‌که اصول و قواعد حقوق بشر، از اشخاص به دلیل انسان بودنشان حمایت می‌کند. بنابراین، هیچ هدف دیگری غیر از حمایت از انسان و شأن و منزلت آن نمی‌تواند به عنوان توجیه برای نادیده گرفتن یا پایمال کردن حقوق بشر در نظر گرفته شود و حمایت از اصول و قواعد حقوق بشر مسئولیت اولیه دولت‌ها و جامعه بین‌المللی است.

۶. کارآمدی تحریم‌ها

کارآمدی تحریم‌های ایالات متحده مورد تردید اساسی است، بر اساس تعریف تحریم تلاش

محاسبه شده یک دولت و به طور خاص، قطع دسترسی جامعه هدف به بازارهای جهانی و کاهش یا قطع منابع مالی به منظور کنترل، اجبار و تشویق دولت مقابل به تغییر رویکرد بدون توسل به سلاح و نیروی نظامی است. بنابراین، پیش فرض وضع و تحمیل تحریم بر جمعیت دولت هدف، قرار دادن مردم تحت فشار به منظور خیزش آنها برای تحقق تغییرات به ویژه سیاسی در سطح کلان سیاست-گذاری است. اما تجربه، نشان دهنده شکست‌های بزرگ با ایراد هزینه‌های انسانی بزرگ در ایران، کوبا، عراق، کره شمالی و دیگر کشورهایی است که آمریکا از تحریم یک‌جانبه علیه آنها استفاده کرده است.

۷. هدف مدنظر - هدف واقعی

واکاوی پیامدهای واقعی تحریم‌های وضع شده علیه عراق مبین آسیب‌های جدی و گاه غیرقابل جبران انسانی بر مردم غیرنظامی است و در نهایت، توسل به زور نتیجه مدنظر تحریم را محقق ساخت. به گفته کارن راث،^۴ (نخستین دبیر هیأت مأموریت دائمی بریتانیا در سازمان ملل متحد در بازه زمانی بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳)، تحریم‌های اقتصادی هرگز نباید علیه هیچ کشوری دوباره وضع شوند؛ به واسطه آنچه بر مردم عراق رفت (اوگونا، ۲۰۱۶: ۵۰). تحریم‌ها اگرچه به عنوان سازوکار جایگزین مخاصمه مسلحانه وضع شده بودند اما مرگ صدها تا هزاران غیرنظامی به دلیل گرسنگی و قحطی، باعث رقم خوردن تراژدی انسانی فجیعی در عراق شد.

بر این اساس، تحریم‌های اقتصادی فی‌نفسه بی‌رحمانه هستند و حتی «معافیت‌های بشردوستانه»^{۱۵} به مثابه اقداماتی صلاح‌حیدی، با هدف کاهش یا رفع شدت هزینه‌های انسانی تحریم-ها نیز تاکنون راه‌حل مناسبی نبوده است. به بیان بهتر، هدف دولت تحریم‌کننده از اعمال معافیت‌های گمرکی، نگه داشتن جمعیت دولت هدف در وضعیت فقر و تهیدستی و نه رهایی از قحطی است. از یک سو، ساختار بازار و چارچوب اقتصاد دولت هدف تحریم قرار گرفته و تخریب می‌شود و از سوی دیگر در قالب معافیت‌های گمرکی، وعده کمک‌های غذایی و بشردوستانه داده می‌شود. به استناد گزارش سال ۲۰۱۲ «برنامه جهانی غذا»^{۱۶} درباره زیمبابوه، مجموعه تحریم‌های

15. Carne Ross

نخستین دبیر هیأت مأموریت دائم بریتانیا نزد سازمان ملل متحد در بازه زمانی بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳.

16. Humanitarian Exemptions.

اقتصادی یک‌جانبه موجب فروپاشی اقتصادی، فقر شدید، ناتوانی دولت از تأمین نیاز شهروندان به مواد غذایی با وجود ارسال کمک‌های غذایی در قالب «معافیت‌های بشردوستانه» با هدف کاهش ناامنی غذایی در این کشور شد. با وجود ارسال کمک‌ها، بیش از ۱/۷ میلیون زیمبابوهای در تأمین نیازهای غذایی خود ناتوان بوده‌اند (<http://documents.wfp.org>).

دیگر پیامد مخرب تحریم، حذف طبقه متوسط جامعه هدف است. در نتیجه جامعه به لحاظ اقتصادی به دو طبقه فقیر و غنی تقسیم می‌شود و فقرا بیشترین سهم از جمعیت را تشکیل می‌دهند. اثر سرایت^{۱۷} تحریم بر دولت‌های همسایه دولت هدف تحریم نیز مسئله قابل تأملی است. به طور قطع دولت یا دولت‌های همسایه، هدف تحریم نیستند؛ اما تحریم تأثیرات جدی بر بازار و اقتصاد کشورهای مذکور خواهد داشت.

از سوی دیگر، خود دولت واضع تحریم نیز از آثار مخرب تحریم‌ها مصون نیست. برای مثال، اگرچه برخی سیاستمداران ایالات متحده، تحریم‌های یک‌جانبه را یکی از شیوه‌های «دیپلماسی چراغ روشن»^{۱۸} قلمداد می‌کنند؛ اما بنا به گزارش‌های «اتاق بازرگانی»^{۱۹} و «انجمن ملی تولیدکنندگان ایالات متحده»،^{۲۰} تحریم‌های یک‌جانبه وضع شده توسط دولت ایالات متحده در بازه زمانی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸، از دست رفتن مشاغل مرتبط با صادرات، کاهش درآمد مالیاتی و تعدیل نیروی انسانی را در پی داشته است (هوف بوئر و کیمبرلی، ۱۹۹۷).

بنا به گزارش‌ها، تحریم‌های وضع شده در دهه ۱۹۸۰، خسارتی معادل با ۲ میلیارد دلار در حوزه صادرات به جای گذاشته است که یکی از پیامدهای آن، قرار گرفتن شرکت‌های آمریکایی در جایگاهی غیرممتاز در مقایسه با رقبای خارجی آن‌هاست (کائمیفر و لوئمبرگ، ۲۰۰۰: ۱۳).

۸. تحریم‌های یک‌جانبه و حق بر توسعه

17. World Food Program

18. Spill Over

19. Light-Switch Diplomacy

این اصطلاح را برای نخستین بار جورج شولتز (وزیر کشور اسبق ایالات متحده) در سال ۱۹۸۲ به کار برده است. به باور وی، تجارت خارجی میان دو یا چند کشور، به عنوان ابزار سیاست خارجی محسوب می‌شود که می‌تواند مانند یک لامپ روشن و خاموش شود.

20. US Chamber of Commerce

تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه آمریکا، مانع جدی بر سر راه رشد و توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دولت‌ها است. از سوی دیگر، هدف از وضع آن، ایجاد فشار بر مردم غیر نظامی از سه بعد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای انتقال فشار وارده بر حکومت با هدف نیل به دموکراسی ادعایی و تضمین رعایت حقوق و آزادی‌هاست.

به باور دکتر کیم هاوولز^{۲۱}، موقعیت‌هایی وجود دارد که به نظر می‌رسد وضع تحریم، مطلوب‌تر و مفیدتر از شروع یک مخاصمه مسلحانه باشد (اوگبونا، ۲۰۱۶: ۵۰) اما بررسی‌ها حاکی از آن است که تحریم با وجود هزینه‌های هنگفتی که بر زندگی جمعیت غیرنظامی دولت هدف (با هدف تحقق هدف مدنظر) می‌گذارد، لزوماً مانع وقوع مخاصمه مسلحانه نیست.

پاسخ به مسئله مشروعیت تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه، پنهان در مسئله اثبات تقدم حقوق بشر بر امنیت و توسعه است. آیا امکان تحقق امنیت و توسعه خارج از چارچوب حقوق بشر و با سازوکارهای ناقض آن وجود دارد؟ به نظر می‌رسد باید پذیرفت که امکان بهره‌مندی از توسعه در نبود امنیت، برعکس آن و در نهایت امکان بهره‌مندی از توسعه و امنیت در نبود حقوق بشر ممکن نیست.

۹. پارادایم حقوقی کارآمد

هنوز با وجود اثبات ناکارآمدی تحریم‌ها و نقض موازین حقوق بشری ناشی از آن در موارد متعدد، در مورد مسئله عدم مشروعیت آن‌ها اجماعی در جامعه بین‌المللی شکل نگرفته است. اما بر سر این مسئله که باید برخی اصول و موازین حقوقی اعمال شود، وفاق عام وجود دارد. از این رو، باید کارآمدترین پارادایم برای اعمال محدودیت بر این سازوکار با هدف به حداقل رساندن پیامدهای منفی تحریم‌ها بر حقوق بشر جهان‌شمول را به کار بست. سه پارادایم حقوق بشر، اقدام متقابل و حقوق بشردوستانه در این زمینه قابل بررسی است.

به باور برخی اندیشمندان حوزه حقوق بشر، به واسطه اعمال تحریم‌های اقتصادی، قواعد حقوق بشر مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر باید بر این سازوکار اعمال شود (هاولت، ۲۰۰۴: ۱۱۹۹). اما مشکلات عملی و حقوقی پیش‌روی قاعده‌مند ساختن تحریم‌ها براساس این پارادایم وجود دارد که

21. US National Association of Manufacturers
22. Dr. Kim Howells

در ادامه به تبیین آن‌ها خواهیم پرداخت.

معاهدات متضمن تعهدات حقوق بشری از منظر صلاحیت با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند (کراون، ۱۹۹۵: ۷۸). به استناد آرا صادره دیوان‌ها و کمیته‌های حقوق بشری، تعهدات دولت‌ها به موجب حقوق بشر صرفاً در مورد اشخاص و قلمروهای سرزمینی قابلیت اعمال دارند که تحت حاکمیت یا «کنترل مؤثر» یک دولت باشند (U.N. Doc. CCPR/C/74/CRP.4/Rev). بنابراین، تعهدات مذکور نسبت به اشخاص یا سرزمین‌های واقع در قلمرو سرزمینی و حاکمیتی دولت ثالث مستقل قابلیت اعمال ندارند؛ مسئله‌ای که در مورد تحریم‌ها وجود دارد.

تحریم‌های اقتصادی اغلب موجد وقفه جدی در روند تأمین مواد غذایی، دارو و لوازم بهداشتی هستند. کیفیت مواد غذایی و آب شرب را به مخاطره انداخته و سیستم‌های پایه آموزش و درمان را تحت تأثیرات منفی قرار می‌دهند. همچنین حق اشتغال جمعیت هدف را به شدت تضعیف می‌سازند (U.N. Doc. E/C.12/1997/8).

اثرگذاری‌های این چنینی، به طور مستقیم و آشکار حق‌های متعدد تصریح شده در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را هدف قرار می‌دهند. بنابراین، اگر در عمل، هر برنامه تحریم اقتصادی بر انتفاع جمعیت هدف از حق‌های بشری این‌گونه تأثیر منفی بگذارد، به این استدلال جامه عمل می‌پوشاند که هر برنامه تحریمی به طور قطع با قواعد حقوق بشری در تعارض خواهد بود. اما به نظر می‌رسد جامعه بین‌المللی هنوز آمادگی پذیرش این واقعیت را ندارد که تحریم اقتصادی به طور مستقیم یا غیرمستقیم منتهی به نقض حقوق بشر می‌شود. از منظر دولت‌ها، آستانه الزامات نظام بین‌المللی حقوق بشر بالاست و انعطاف‌پذیری لازم را ندارد. بنابراین، بعید به نظر می‌رسد که دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی کنونی، حقوق بشر را به مثابه بدنه حقوقی حاکم برای قاعده‌مند ساختن تحریم‌های اقتصادی بپذیرند. همچنین، این امکان وجود دارد که دولت‌ها ملاحظات حقوق بین‌الملل و حقوق بشر هر دو را در ساختار بندی تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی خود نادیده بگیرند؛ اگر بر این باور باشند که نظام‌های موجود، انعطاف‌پذیری کافی ندارند (میلانینیا، ۲۰۱۵: ۱۰۰).

این رویکرد می‌تواند توجیه‌کننده این مسئله باشد که چرا تاکنون در سطح بین‌المللی، مباحث راجع به اینکه تحریم‌ها چه زمانی باید به کار گرفته شوند و چگونه باید تنظیم شوند (یک یا چند جانبه)، تداوم داشته است. در حقیقت، جامعه بین‌المللی به جای پرداختن به لزوم خاتمه بخشیدن به تحریم‌های اقتصادی به واسطه اینکه به خودی‌خود ناقض حقوق بشر هستند، به آن‌ها به مثابه ابزاری

برای تضمین رعایت قواعد حقوق بشر و حقوق بین‌الملل می‌نگرند (کانل، ۲۰۰۲: ۷۳).

۱۰. اقدام متقابل از سوی دولت ثالث زیان‌دیده و نقض قواعد حقوق بشر

به طور کلی، اقدام متقابل تنها توسط دولتی به کار گرفته می‌شود که به دلیل وقوع عمل متخلفانه بین‌المللی، زیان‌دیده است. این مسئله که آیا دولت ثالث که به صورت انفرادی از عمل متخلفانه بین‌المللی متحمل زیان نشده است می‌تواند به صرف ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی از سوی دولت دیگر، به اقدام متقابل توسل جوید؟ کمیسیون حقوق بین‌الملل در این باره موضع‌گیری نکرده و ساکت است.

تفسیر موسع مبین آن است که بنا به رهیافت کمیسیون، در صورت ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی برخاسته از نقض یک تعهد عام‌الشمول، امکان توسل دولت ثالثی که متحمل زیان نشده است به اقدام متقابل وجود دارد (همان). با وجود چنین تفسیر موسعی، مواردی از تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه وجود دارد که از سوی دولت‌هایی وضع و اجرا شده است که به طور مستقیم از سوی دولت مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی که هدف تحریم قرار گرفته است، متحمل زیان نشده‌اند. برای مثال، تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا علیه روسیه به واسطه اقدامات این کشور در خصوص نقض حق حاکمیت و تمامیت سرزمینی اوکراین در شرایطی وضع شده‌اند که زیان و خسارتی به طور خاص متوجه ایالات متحده نبوده است. همچنین، یافتن مبنای حقوقی برای تحریم‌های اقتصادی وضع شده علیه دولت جمهوری اسلامی ایران و نیز سایر دولت‌ها، تحت عنوان اقدام متقابل برای موارد نقض پیمان منع اشاعه سلاح هسته‌ای، آسان نیست. چرا که، موارد نقض تعهدات مندرج در این پیمان، خسارت مستقیم به دولت‌های واضع تحریم وارد نیآورده است. از سوی دیگر، از منظر حقوق بین‌الملل امکان پذیرش عام‌الشمول بودن تعهدات پیمان مذکور به لحاظ ماهوی وجود ندارد (کالامیتا، ۲۰۰۹: ۱۳۹۳).

توسل به اقدام متقابل باید منوط به رعایت قواعد بنیادین حقوق بشر و قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل عام باشد. در ضمن، اقدام متقابل باید صرفاً در شرایط و اوضاع و احوال مناسب به کار گرفته شود و متناسب با خسارت وارده باشد و معیار برای احراز تناسب، خسارت وارده و نه تخلف انجام شده است. هیچ فرمول دقیقی وجود ندارد که تعیین کند چه چیزی واقعاً متناسب است، بنابراین، معیار تناسب در حوزه اقدام متقابل، صلاح‌دید است (کانیزارو، ۲۰۰۱: ۸۸۹). تمرکز معیار تناسب بر

خسارت - نه متخلف و تخلف در تحریم - سبب می‌شود که جمعیت غیرنظامی کشور هدف تحریم به جای مصون ماندن از تأثیرات منفی این سازوکار، قربانی عملکرد و سیاست‌های طبقه حاکم (آن هم در صورت اثبات تخلف) شوند که این خود، در زمره محدودیت‌ها و نقاط ضعف ذاتی این پارادایم و نقض حقوق بشر جهان‌شمول شهروندان است.

به موجب طرح مواد مربوط به مسئولیت، دولت‌های استناد کننده به اقدام متقابل، ملزم به عدم تهدید یا توسل به زور هستند و باید قواعد بنیادین حقوق بشر و قواعد آمره حقوق بین‌الملل را رعایت کنند (کتاب سال کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل، شماره ۲: ۱۳۱). بر این اساس، پارادایم اقدام متقابل مانند حقوق بشر از آستانه حقوقی بالایی برخوردار است و رعایت دقیق و سختگیرانه قواعد حقوق بشر را الزامی می‌داند. تحریم‌های اقتصادی اغلب همراه با توسل به زور از سوی دولت واضح هستند. هدف از این سازوکار مکمل، ترغیب دولت هدف به خاتمه بخشیدن به عمل متخلفانه بین‌المللی بر مبنای سیاست «چماق و هویج»^{۲۲} است (میلانینیا: ۲۰۱۵: ۱۰۲). پارادایم اقدام متقابل نیز به‌سان پارادایم حقوق بشر، مشکلات مفهومی و عملی دارد که منطبق با واقعیات کنونی حاکم بر جامعه بین‌المللی در رابطه با زمان مناسب برای وضع تحریم‌های اقتصادی و نحوه قاعده‌مندسازی آن‌ها نیست.

۱۱. پارادایم حقوق بین‌الملل بشردوستانه

از آن‌جا که نظام بین‌المللی حقوق بشر و اقدام متقابل برای قاعده‌مند ساختن تحریم‌های اقتصادی دارای محدودیت‌ها و در نتیجه، نارکارآمد هستند، گزینه پیشنهادی دیگر برای تعدیل تبعات منفی تحریم‌های یک‌جانبه، پارادایم حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. فرضیه‌ی مبنایی این پارادایم، قاعده‌مند شدن تحریم اقتصادی بر اساس اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه است که به دو دسته اصلی «حقوق بر جنگ»^{۲۳} و «حقوق در جنگ»^{۲۴} تقسیم‌بندی می‌شوند.

امروزه این مسئله پذیرفته شده است که تحریم اقتصادی آسیب‌های انسانی، اجتماعی و اقتصادی جدی بر غیرنظامیان در کشور هدف می‌گذارد. به گونه‌ای که در برخی موارد، اثرگذاری مخرب

23. The Policy of "Carrots and Sticks".

24. Jus ad Bellum

تحریم بر جمعیت غیرنظامی در مقایسه با عملیات نظامی بیشتر است. شاهد مثال این ادعا، وضعیت عراق در دوران تحریم است. هیچ کس به طور دقیق نمی داند چند غیرنظامی عراقی در نتیجه قحطی و گرسنگی ناشی از تحریم جان خود را از دست داده اند. وضعیت در عراق به حدی وخیم بود که حتی متهمی به طرح این ادعا علیه شورای امنیت (به عنوان مقام واضع تحریم ها) گردید که ممنوعیت نسل-زدایی نقض و شورای امنیت به عنوان یک سازمان مرتکب فجیع ترین جنایت شناخته شده توسط بشریت شده است (بوسوت، ۱۹۹۹: ۷۲۳-۷۲۱). البته امکان طرح این استدلال وجود دارد که نسل-زدایی، شکنجه یا سایر موارد نقض حقوق بشر نیازمند قصد ارتکاب است و دولت واضع تحریم اصولاً قصد تحمیل پیامدهای بیرحمانه و ضد انسانی را بر جمعیت غیرنظامی دولت هدف ندارد. اما سوالی که اینجا مطرح می شود این است که آیا پیامدها در موارد قبلی تحریم های وضع شده به وضوح دیده نشده است؟ شاید قصد مذکور وجود نداشته باشد اما پیامدهای دهشتناک انسانی بارها اثبات شده و مشروعیت تحریم ها بارها به چالش کشیده شده است (کانل، ۲۰۰۲: ۷۳).

از سوی دیگر، اگر به بررسی تطبیقی مخاصمه مسلحانه و تحریم اقتصادی یک جانبه پردازیم، هدف مخاصمه، تخریب تأسیسات و نیروی نظامی دشمن است که با هدف ممانعت از توسل دشمن به همین اقدامات علیه تأسیسات و نیروهای خودی انجام می پذیرد. در حالی که، هدف تحریم اقتصادی یک جانبه، تخریب ساختار بازار، فلج کردن اقتصاد دولت هدف تحریم و در نتیجه، تحمیل شرایط دشوار زیستی بر جمعیت غیرنظامی است. حال پرسشی که مطرح می شود این است که آسیب یا آسیب های کدام یک از این دو وضعیت عقلایی و قابل پذیرش است؟ آیا نمی توان تحریم را به مثابه جنگی نامرئی و فریب کارانه و ناقض حقوق بشر جهان شمول قلمداد نمود؟

بر این اساس، می توان این فرضیه را مطرح نمود که آسیب های گسترده تحریم ها بر جمعیت غیرنظامی می تواند توجیه کننده طبقه بندی آن ها به عنوان عمل خشونت بار باشد. بنابراین، با توجه به قابل قیاس بودن تحریم با حمله نظامی در پرتو خسارات وارده به جامعه هدف، باید فهم خود را از واژه «زور»^{۲۵} و تفسیر آن با این اثرگذاری تخریبی انطباق دهیم.

منشور ملل متحد هیچ تعریف یا معیاری برای واژه «زور» ارائه نداده است که بتوان بر اساس آن تعیین نمود چه زمان یک عمل متهمی به توسل به زور می شود. دیوان بین المللی دادگستری نیز در نظر

مشورتی ۱۹۹۶ خود در خصوص قضیه «تهدید یا توسل به سلاح هسته‌ای» این مسئله را به رسمیت شناخته است که ممنوعیت توسل به زور در منشور ملل متحد و حق دفاع مشروع باید موسع تفسیر شوند. همچنین باید درباره هر نوع توسل به زور (صرف‌نظر از تسلیحات به کار رفته)، اعمال گردند (نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد تهدید به استفاده یا کاربرد تسلیحات اتمی، ۱۹۹۶).

از سوی دیگر، از منظر اسناد بین‌المللی حقوق بشردوستانه، «زور» مفهومی ایستا نیست و باید در طول زمان با توجه به مبانی خاصی تفسیر و اعمال شود. «شرط مارتنس»^{۲۶} که مبتنی بر اصول حقوق بین‌الملل، اصول انسانیت و وجدان عمومی است، می‌تواند مبنای مناسبی برای اثبات پویایی حقوق بین‌الملل بشردوستانه و امکان تفسیر موسع از واژه «زور» باشد. همچنین، امکان طرح این فرضیه وجود دارد که علت نپرداختن کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی به مسئله تحریم اقتصادی، این واقعیت است که در بازه زمانی تنظیم و تدوین پیش‌نویس اسناد مذکور، قابل تصور و پیش‌بینی نبود که اقدامی غیرنظامی مانند تحریم اقتصادی، هزاران یا حتی میلیون‌ها کشته غیرنظامی بر جای بگذارد! جنگ سایبری نیز دیگر شاهد مثال امکان تفسیر موسع از واژه زور و مخاصمه مسلحانه است.

غایت اصلی تضمینات حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حفاظت از جمعیت غیرنظامی در برابر پیامدهای منفی عملیات نظامی در جریان مخاصمات مسلحانه است. تحریم اقتصادی به مانند زمان جنگ، به شیوه‌ای تحمیل می‌شود که موجبات قحطی و گرسنگی جمعیت غیرنظامی را فراهم می‌سازد. شاهد مثال این وضعیت، گزارش برنامه جهانی غذا در خصوص زیمبابوه و به خطر افتادن امنیت غذایی بیش از ۱/۷ میلیون نفر است (گزارش برنامه جهانی، ۲۰۱۲: ۳). بنابراین، تحریمی که جمعیت غیرنظامی را هدف قرار می‌دهد و پیامد آن، قطع دسترسی جمعیت غیرنظامی به غذا، آب و خدمات بشردوستانه است، باید به مثابه «توسل به زور» قلمداد شود.

نتیجه‌گیری

تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه ایالات متحده صرف نظر از اینکه با چه هدفی وضع شده باشند، نیازمند ملاحظه جدی در خصوص اثرات جانبی خود هستند. به نظر می‌رسد زمان آن رسیده باشد که به جای امکان‌سنجی ارتقای سطح رعایت حقوق بشر از طریق سازوکار تحریم‌های اقتصادی

یک‌جانبه، بحران نقض حقوق بشر جهان‌شمول توسط آن‌ها مورد واکاوی قرار بگیرد. از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، دلیلی وجود ندارد که بتوان بر مبنای آن، اقدامات قابل اجتنابی را با هدف تضمین رعایت قواعد آن به کار گرفت که موجب ایراد خسارت به شخص یا جمعیت غیرنظامی بشود.

امکان جداسازی بدنه بزرگ تولیدکنندگان، تأمین کنندگان بخش خدمات و مصرف‌کنندگان بخش خصوصی غیر وابسته به حکومت برای تحت‌الشعاع قرار نگرفتن توسط تحریم‌ها وجود ندارد. از این رو، تحریم‌ها به خودی خود موجد انگیزه‌های قوی برای دور زدن آن‌ها شده و در نهایت از منظر اقتصادی فساد را به عنوان میراث بر جای می‌گذارد که ریشه‌یابی آن حتی پس از رفع تحریم‌ها دشوار است.

بار منفی تحریم‌ها بر دوش چندین نسل باقی خواهد ماند و نسل‌های آینده نیز باید تاوان پس دهند. به بیان بهتر، نمی‌توان کاری با ماهیت یکسان (اجبار و نقض حقوق بشر) انجام داد و انتظار نتیجه‌ای متفاوت داشت. اجبار همیشه در هر سازوکاری، ناتوان از تغییر است. تحریم‌های یک‌جانبه ناقض حقوق طبیعی انسان‌ها و حقوق بشر جهان‌شمول است و حق بر حیات، حق بر آموزش، حق بر بهداشت، حق بر توسعه و سایر حقوق بنیادین شهروندان کشور تحت تحریم را به مخاطره می‌اندازد.

منابع

۱. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۹). *حقوق بشر در جهان معاصر*، چاپ دوم، جلد دوم، تهران، انتشارات شهر دانش.
۲. موسوی، سیدفضل‌الله، جوکار، فضل‌الله و محمدی، عمران (۱۳۹۳) «تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران: تناقض در گفتار و کردار و سیاست‌زدگی حقوق بشر»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، دوره ۴، ش ۱۶، صص ۱۷۳-۱۴۹.
۳. رضوی، سید محمد حسن، قاسمی، مریم، زین‌الدینی، فاطمه (۱۴۰۱)، «تعهدات حقوق بشری دولت واضع تحریم در برابر مردم کشور تحریم شده: از صدور معافیت تحریمی تا رفع موثر موانع»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۵۲، ش ۲، تابستان ۱۴۰۱، صص ۱۱۰۱-۱۰۸۳.
۴. کریمی‌نیا، محمد مهدی، شیری، حامد (۱۴۰۱) «نقش دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری در تضمین حقوق بشر با تاکید بر پرونده بازگشت تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری

اسلامی ایران»، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، س ۵، ش ۴۷، صص ۱۰۳-۱۲۰.

۵. کریمی، فرهاد، نیاورانی، صابر، زمانی، سید قاسم (۱۴۰۰)، «نقش دستور موقت دیوان بین المللی دادگستری در تضمین حقوق بشر: مطالعه موردی پرونده بازگشت تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۲۴، ش ۳، پاییز ۱۴۰۰، صص ۲۳۳-۲۵۱.

۶. قنبرلو، عبدالله (۱۴۰۱)، «تحلیل نسبت تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه با حقوق بین‌الملل معاصر»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۲۵، ش ۲، تابستان ۱۴۰۱، صص ۳۰۱-۳۲۹.

۷. قائدی، حجت الله، صلاحی، سهراب، پروین، خیرالله (۱۴۰۰)، «ارزیابی سیاسی - حقوقی تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه آمریکا علیه جمهوری اسلامی»، دو فصلنامه دانش سیاسی، س ۱۷، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۵۴۶-۵۱۹.

1. An-Na'im Abdullahi, Deng, Francis (1990), Problems of Universal Cultural Legitimacy, in Human Rights in Africa: Cross-Cultural Perspectives. Washington, DC: the Brookings Institution.
2. Bossuyt, Marc, "The Adverse Consequences of Economic Sanctions for The Enjoyment of Human Rights (Working Paper for The Commission on Human Rights, Sub-Commission on The Promotion and Protection of Human Rights, Review of Further Developments in Fields with which the Sub-Commission has been or may be concerned, Un Doc. E/CN.4/Sub.2/2000/33, (21 June).
3. Calamita, N. Jansen, "Sanctions, Countermeasures, and The Iranian Nuclear Issue", *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, 2009, Vol. 42, No. 5, p.1393.
4. Cannizzaro, Enzo, "The Role of Proportionality in the Law of International Countermeasures", *European Journal of International Law*, 2001, Vol. 12.
5. Craven, Mathew, "Humanitarianism and the Quest for Smarter Sanctions", *European Journal of International Law*, 2002, Vol. 13.
6. Decaux, Emmanuel, "The Definition of Traditional Sanctions: Their Scope and Characteristics," *International Review of the Red Cross*, 2008, Vol. 90, No. 870.
7. Dizaji, S. F. and van Bergeijk, P., "Potential Early Phase Success and Ultimate Failure of Economic Sanctions: A VAR Approach with an Application to Iran", *Journal of Peace Research*, 26 June 2013, Vol. 50, No. 6.
8. Donnelly, Jack (1989), *Universal Human Rights in Theory and Practice*. Ithaca, NY: Connell University Press.

9. Donnelly, Jack (2007), *The Relative Universality of Human Rights*, Human Rights Quarterly, The Johns Hopkins University Press. Vol. 29, No. 2 (May, 2007), pp. 281-306.
10. E. Higgins, Tracy (1996), *Anti-Essentialism, Relativism, and Human Rights*, in 'International Human Rights in Context' 19 Harv. Women's L.J.
11. Fishman, Andrew K., "Between Iraq and a Hard Place: The Use of Economic Sanctions and Threat to International Peace and Security", *Emory International Law Review*, 1999, Vol. 13.
12. Gutmann, Jerg, Neuenkirch, Matthias, Neumeier, Florian, Steinbac, Armin, "Economic sanctions and human rights: Quantifying the legal proportionality principle", *Research Papers in Economics*, No. 2/18, University of Trier, 2018.
13. Howlett Amy, "Getting "Smart": Crafting Economic Sanctions That Respect All Human Rights", *Fordham Law Review Journal*, 2004, Vol. 73.
14. Hufbauer, G. Clyde and Kimberly, Elliott, A., "U.S. Economic Sanctions: Their Impact on Trade, Jobs and Wages," *working paper*, 1997, available at: <http://www.iie.com/publications/wp/wp.cfm?ResearchID=149>.
15. <https://www.merriam-webster.com/dictionary/universalism> (accessed 11/5/2022)
16. <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/universality>. (accessed 11/5/2022)
17. Kaempfer, H. William and Lowenberg, D. Anton: "Alternatives to Comprehensive Sanctions," *Discussion Papers in Economics No. 00-17*, 2000, Boulder: University of Colorado.
18. Lopez, George A. and Cortwright, David: "The Sanctions Era: An Alternative to Military Intervention," *The Fletcher Forum of World Affairs*, 1995, Vol. 19, No 2.
19. Manchak, Benjamin, "Comprehensive Economic Sanctions, the Right to Development, and Constitutionally Impermissible Violations of International Law", *Boston College Third World Law Journal*, 2010, Vol. 30, Issue. 2.
20. Marks, Stephen, "The Human Right to Development: Between Rhetoric and Reality", *Harvard Human Rights Journal*, 2004, Vol. 17.
21. Meron, Theodor, "Extraterritoriality of Human Rights Treaties", *American Journal International Law*, 1995, Vol. 89.
22. Milaninia, Nema, "Jus Ad Bellum Economicum and Jus In Bello Economico: The Limits of Economic Sanctions Under the Paradigm of International Humanitarian Law", *Economic Sanctions under International Law, Chapter 6*, A.Z. Marossi and M.R. Bassett (eds.), T.M.C. ASSER PRESS, DOI 10.1007/978-94-6265-051-0_6, 2015.
23. O'Connell, Mary Ellen, "Debating the Law of Sanctions", *European Journal of International Law*, 2002, Vol. 13.

24. Ogbonna, Chidiebere, C., *Sanctions and Human Rights: The Role of Sanctions in International Security, Peace Building and The Protection of Civilian's Rights and Well-Being. Case Studies of Iran and Zimbabwe*, Doctoral Thesis, Jaume University, 2016.
25. Reinisch, August, "Developing Human Rights and Humanitarian Law Accountability of the Security Council for The Imposition of Economic Sanctions", *American Journal of International Law*, 2001, Vol. 95.
26. Reisman, William Michael & Stevick, Douglas L., "The Applicability of International Law Standards to UN Economic Sanction Programmes", *European Journal of International Law*, 1998, Vol. 9.
27. Segall, Anna, "Economic Sanctions: Legal and Policy Constraints", *International Review of Red Cross*, 1999, Vol. 81.
28. Smeets, Maarten, "Can Economic Sanctions Be Effective?", *World Trade Organization, Economic Research and Statistics Division, Staff Working Paper*, Ersd 2018-03, 15 March 2018.
29. Velásquez Ruiz, Marco Alberto, "International Law and Economic Sanctions Imposed by the United Nations' Security Council. Legal Implications in the Ground of Economic, Social and Cultural Rights", *International Law: Review of Colombia*, 2012, No. 21.
30. United Nations Charter (1945)
31. The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (1966)
32. International Covenant on Civil and Political Rights (1966)
33. Universal Declaration of Human Rights (1948)